

## تبیین عوامل بازدارنده رشد و تعالی انسان از دیدگاه قرآن

فاطمه جاری<sup>۱</sup>

### چکیده

انسان به دلیل دارا بودن ویژگی های خاص در خلقتش که بطور فطری مانع از سقوط وی در ورطه ضلالت و گمراهی می شود، همواره در طول تاریخ مورد توجه بسیاری از اندیشمندان قرار گرفته است. در واقع فطرت الهی ودیعه نهاده شده در وجود انسان دائما رو به سوی معبدود دارد، عواملی که از این حرکت جلوگیری نماید ستر فطرت را سبب شده و مانع رشد و تعالی وجود آدمی می گردند بنابراین عوامل بازدارنده انسان از رشد و تعالی با کمرنگ نمودن فطرت الهی در انسان، مراحل صیرورت الهی انسان را کند کرده و یا حتی متوقف می کند. با شناسایی و آگاهی از این موانع انسان می تواند به مبارزه با آن ها پرداخته و به حفظ و صیانت از فطرت الهی خود بپردازد. این مقاله با استفاده از قرآن و تفاسیر قرآنی و با روش تحلیلی-توصیفی به بررسی و تبیین عوامل بازدارنده رشد و تعالی انسانی پرداخته است و بر همین اساس موانع صعود و تعالی وی را تحلیل می نماید.

**کلیدواژه ها: انسان، قرآن، رشد و تعالی، عوامل بازدارنده، آفرینش.**

<sup>۱</sup> طلب سال سوم حوزه علمیه الزهراء شیراز، شماره تماس ۹۳۸۹۸۴۷۹۷۴

موضوع مقاله در مبحث موضوعات انسان شناسی قرار میگیرد، در واقع بحث در مورد انسان شناسی به قرن پنجم پیش از میلاد بر میگردد از زمانی که پروتاگوراس سوفیست در قرن پنجم پیش از میلاد به موضوع شناخت انسان پرداخت، سپس مطرح شدن نظر سقراط در مورد شناخت انسان جهت فهم دقیق جهان و به دنبال آن نظرات جدید انسان شناسی در یونان و روم باستان از فیثاغورث و افلاطون تا قرون وسطی و مطرح کردن سقوط و هبوط بشر بر زمین در بی آن ظهور اومانیسم با انسان مدارس در دوره رنسانس و توجه به آزادی و حیثیت انسانی ک معلول رفتار عالمان قرون وسطی بود، تا قرن شانزدهم که میشل دو مونتنی نخستین کوشش فلسفی را در بحث انسان شناختی انجام داد و بعد در قرن هجدهم ک انسانشناسی شاخه ای از فلسفه شد، همه و همه تاریخچه بحث انسان شناسی را تشکیل می دهد. در هر دوره با گذشت زمان و پیشرفت آگاهی، انسانشناسی شاخه های جدیدی یافت چندجانبه گردید و وسعت داده شد تا جایی که داده های سایر علوم نیز بر حسب ضرورت به این موضوع وارد گردید.

در واقع کاملترین نوع انسان شناسی در طول تاریخ انسان شناسی دینی می باشد، با توجه به اینکه هر انسانی خود مخلوق است، علم و معرفت او نسبت به خویشتن ناچیز، بلکه ناقص و عاری از کمال است. همانطور که بهترین روش برای شناخت هر پدیده این احاطه کامل بر ابعاد مختلف آن پدیده است در مورد انسان نیز چنین است و دستیابی به احاطه کامل و بدون نقص تنها در پرتو قرآن به عنوان وحی و کلام حق تعالی می باشد.

به همین منظور این مقاله در نظر دارد با استفاده از کلام وحی و استفاده از تفاسیر مختلف قرآنی به بررسی برخی از ویژگی های خاص در آفرینش که خداوند به انسانها در خلقت آن ها عرضه داشته و انسانها میتوانند با استفاده از این ویژگی های خاص راه را از بیراه باز شناسند، پرداخته و سپس عوامل بازدارنده انسان از رشد تعالی را بررسی و تبیین کنیم و در این راستا به این سوالات پاسخ داده شود که:

۱- ویژگی های خاص که خداوند در آفرینش انسانها قرار داده است چیست؟

۲- آیا این ویژگی ها مختص انسان هاست؟

۳- عوامل و موانع دستیابی انسان به مقام تعالی چه عواملی هستند؟

## (۱) آفرینش انسان و ویژگی های خاص او در قرآن

آفرینش انسان، امری عظیم بود که قرآن حتی فرشتگان را از درک آن ناتوان می داند. انسان موجودی مرکب از ماده و معناست. جسم خاکی او از عالم ماده و روح او که به فرموده قرآن از روح خدا نشأت گرفته است به عالم مجرdat مربوط است. برای آفرینش انسان در قرآن ویژگی های زیر مطرح شده است :

### ۱\_۱(۱) موجود بروگزیده

آفرینش انسان، آفرینش حساب شده است، و تصادفی نمی باشد. انسان موجودی انتخاب شده و برگزیده است.

خداآوند متعال درباره آفرینش هیچ موجودی جز انسان، اعلام قبلی نفرموده است و امر خلقت او را با فرشتگان در میان ننهاده

است: «و إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلملائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» (بقره/۳۰)

### ۱\_۲(۲) دارای الگوی مستقل خلقت

نوع انسان، نوعی نیست که از تکامل سایر موجودات به وجود آمده باشد، بلکه نوعی است مستقل که خدای متعال او را بدون الگواز مواد زمین آفریده است. در قرآن کریم بیان می شود که انسان از دو مبدأ آفریده شده است؛ خاک یل گل و گاهی حماء مسنون وصلصال که مبدأ مادی است و جسم اوراشامل می شود و مبدأ مادرای طبیعی که همان روح الهی است و روح انسان راشامل می شود: «إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلملائِكَةِ إِنِّي خَالقُ بِشَرَامِنْ طَيْنِ» (ص/۷۱)؛

«وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلملائِكَةِ إِنِّي خَالقُ بِشَرَامِنْ صَلَصالَ مِنْ حَمَاءٍ مَسْنُونَ...» (الحجر/۲۸ و ۲۹)؛

تأکید و صراحة قرآن کریم به این امر، دو بعدی بودن وجود انسان، مادی و معنوی، جسمی و روحی را مشخص می سازد و بر تمام نظریات که انسان را فاقد روح و بعد معنوی می دانند، خط بطلان میکشد.

### ۱\_۳(۳) دارای فطرت الهی

انسان دارای فطرت است؛ فطرتی حقیقت طلب که راهنمای طی مسیر او به سوی الله است. فطرت سرشنی ویژه و آفرینش خاص، و با طبیعت و غریزه متفاوت است. فطرت همان بینش شهودی انسان به هستی محض و گرایش آگاهانه نسبت به مدبر هستی است که حقیقت آدمی به آن سرشنthe شده است و جان انسانی به آن شیوه خلق گردیده است: «فَأَقْمِ وَجْهَكَ لِلَّدِينِ حَنِيفًا فَطَرَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا...» (الروم/۳۰)

تمامی انکارها، تردیدها و انحرافات در طول تاریخ به دلیل عدم حرکت آدمی بر اساس فطرت الهی خویش است. این فطرت هرگز از بین نمیرود؛ هرچند ممکن است در هنگام تزاحم با گرایش های دیگر، بسیار ضعیف یا حتی بی تاثیر گردد؛ به عخوان مثال ممکن است موقعیت خاصی بین گرایش «خدمت به خلق» و «حقیقت خواهی و علم دوستی» تعارض ایجاد شود و جمیع آن دو برای شخص ناممکن باشد، فردی که واقف به گرایش

های اصیل انسانی باشد، می تواند به تمایلات خود جهتی اصیل و انسانی بدهد، آن ها را تقویت کند و زندگی خویش را براساس این گرایش هاییک بسازید، و گرنه او خواهد بود و تمایلات حیوانی صرف که در این میان تنها نام انسان را یدک خواهد کشید.

#### ۱\_۴) دارای روح الهی

وجود روح الهی در سرشت انسان از مهم ترین ویژگی های آفرینش این مخلوق است. انسان ترکیبی از طبیعت و ماورای طبیعت است که طبیعت همان جسم و بدن مادی او و ماورای طبیعت همان روح و جان الهی اوست: «الذی أَحْسَنَ كُلّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَ بَدأَ خَلْقَ الْإِنْسَانَ مِنْ طِينٍ...» (السجده: ۹-۷)

وجود روح الهی است که به وجود آدمی ارزش و اصالت می بخشد تفاوت او را با موجودات دیگر آشکار میسازد. در واقع، عظمتی که هر انسانی میتواند به آن دست یابد، به علت وجود روح الهی است نه جنبه مادی وی، و دارابودن روح الهی سبب تعالی انسان و رسیدن او به مقام قرب الهی می شود.

#### ۱\_۵) دارای قدرت اختیار

قدرت اختیار در انسان یکی از ویژگی های منحصر به فرد اوست که از طرف خالق متعال به او ارزانی داده شده است: "إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِما شَاكِرا وَ إِما كَفُورًا" (الانسان: ۳)

وجود قدرت اختیار در انسان است که مسئله حق و تکلیف را بیان ساخته است و در ادامه مسیر پاداش و عقاب را برلی انسان به دنبال دارد که در صورت عدم وجود قدرت اختیار، وجود حساب و کتاب و بهشت و جهنم معنایی نخواهد داشت. قدرت اختیار و انتخاب در مرور انسان به حدی است که خدای متعال حتی در پذیرش دین او را آزاد و مختار قرار داده است: "لَا اكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشُدُ مِنَ الْغُيِّ فَمَنْ يَكْفُرُ بالطاغوت وَ يَوْمَنِ بِاللهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرُوهَ الْوَثْقَى....." (بقره: ۲۵۶)

#### ۱\_۶) دارای عقل

از بهترین جلوه های کرامت انسانی وجود نعمت عقل در انسان است. عقل نیرویی است که به وسیله آن حق از باطل، خیر از شر و نافع از مضر قابل تشخیص است. خدای متعال عقل را نیرویی تعریف کرده که انسان در دین خود از آن بهره مند شده است و به وسیله آن راه را به سوی حقایق معارف و اعمال صالح پیدا نماید اگر عقل انسان در این ماجرا قرار نگیردو قلمرو علم او فقط به چارچوب خیر و شر های دنیوی محدود شود، عقل نامیده نمی شود. عقل مصباح و چراغ دین و در کنار نقل، منبع معرفت بشر از دین و کاشف محتوای اعتقادی و اخلاقی و قوانین فقهی و حقوقی دین است. خداوند متعال به انسان با دادن چنین نعمت و نیرویی کرامت داده است و او را بر سایر آفریدگان و مخلوقات خود برتری بخشیده است.

#### ۱\_۷) خلیفه الله

انسان خلیفه خدا در زمین است. خداوند متعال روزی که خواست او را بیافریند اراده خویش را به فرشتگان

اعلام کرد. آن ها گفتند آیا موجودی می آفرینی که در زمین تباہی خواهد کرد؟ و خون خواهد ریخت؟ او گفت؛ من چیزی میدانم که شما نمیدانید.

### **۱\_۹) بهره مندی از نعمت ها**

نعمت های زمین برای انسان ها آفریده شده است. همانطور که در قرآن آمده همانا اوست که آنچه در آسمان ها و زمین است برای شما آفرید.

### **۱\_۱۰) آزادی**

انسان شخصیتی مستقل و آزاد دارد، او امانتدار خداست، رسالت و مسئولیت دارد، از او خواسته شده است با کار و ابتکار خود زمین را آباد سازد و با انتخاب خود یکی از دو راه سعادت و شقاوت را انتخاب کند. اما باید دانست که آزادی انسان مطلق نیست، بلکه انسان در موارد و محور خاصی دارای آزادی عمل است، البته در همان محور، مسئول و مکلف است؛ زیرا انسان هنگامی می تواند چیزی را انتخاب کند که نسبت بدان آگاهی، تمایل، انگیزه و قدرت و توانایی داشته باشد و زمینه های خارجی ضروری نیز حاصل یا قابل تحصیل باشد. بنابراین انسان نسبت به آن آگاهی و تمایل یا توانایی بدنی دارد یا شرایط و زمینه های خارجی فراهم نیست، اراده ای نخواهد داشت.

### **۱\_۱۱) دیدن حقایق**

او همین که از این جهان برود و پرده تن که حجاب چهره جان است دور افکند، بسی حقایق پوشیده که امروز بر وی نهان است بر وی آشکار گردد.

### **۱\_۱۲) رضایت خداوند**

او تنها برای مسائل مادی کار نمیکند، یگانه محرک او حوائج مادی زندگی نیست. او احياناً برای هدف ها و آرمان هایی بس عالی می جنبد و می جوشد. او ممکن است که از حرکت و تلاش خود جز رضای آفریننده، مطلوبی دربرنداشته باشد..

### **۱\_۱۳) جسم و جان**

در سرشت انسان علاوه بر عناصر مادی که در جماد و گیاه و حیوان وجود دارد، عنصری ملکوتی و الهی وجود دارد، انسان ترکیبی از طبیعت و ماوراء طبیعت، از ماده و معنا، از جسم و جان، است.

### **۱\_۱۴) وجودان اخلاقی**

اورا وجودان اخلاقی برخوردار است: به حکم الهامی فطری، رشت و زیبا رادرک میکند، سوگند به نفس انسان و اعتدال آن، که ناپاکی ها و پاکی ها را به او الهام کرد.

### **۱\_۱۵) تحول پذیری شخصیت**

انسان به گونه ای آفریده شده است که می تواند با آگاهی و آزادی در محدوده ای نسبتاً گسترده راه خویش را برگزیند و در همان راه منتخب خود، شخصیت و هویت فکری، اخلاقی و فرهنگی خویش را شکل و

در واقع انسانی که گرفتار ظن و خیال است، به جای مشاهده حق و حقیقت به دنبال پندار خود می‌رود، چنین انسانی می‌پندارد چه کار صحیح را انجام می‌دهد ولی به دلیل عدم پیروی از حق، خیال او باطل و نارواست و از شکوفایی و رشد خود در بعد علم و عمل محروم می‌ماند. یاد خدا و محاسبه نفس از پندارگرایی جلوگیری نموده و راه صحیح را به انسان نشان می‌دهد.

از خصوصیات وجود آدمی، قدرت پرواز فکرو خیال است. بر این اساس، در صورت عدم جلوگیری و کنترل گمان و خیال، پندارگرایی در انسان رشد نموده، مانعی در برابر تعالیٰ جان او می‌گردد. پندارگرایی با هدر دادن سرمایه‌های عمر و وقت انسان، او را متضرر کرده و بازگشت به مسیر صحیح را برای وی مشکل و ناهموار می‌نماید.

تذکر و تنبه نفس، یادآوری وجود خالق متعال و استفاده از علم صحیح، کمک فراوانی در جلوگیری از رشد و توسعه پندارگرایی می‌نماید.

### **۲\_۳) وسوسه شیطانی**

انسان دائمًا با وسوسه‌های شیطانی روبه روست چه با دسیسه‌های خود، حق را به جای باطل و باطل را به جای حق می‌نشاند. این دسیسه‌ها و وسوسه‌ها آنقدر قوی است که در انسان سالک، رای و نظر او را به جای رای و نظر وحی الهی قرار داده و این چنیم انسان را از مشاهده ملکوت باز میدارد. در واقع شیطان به وسیله قوه خیال، وهم و خیال را به جای عقل نشانده، انسان را از دیدن حقایق و گرایش به فضیلت‌ها محروم می‌کند. برای زدودن این موانع، انسان باید نسبت به گناه بی رغبت باشد و به تزکیه و نزاهت نفس بپردازد. وسوسه‌های شیاطین درونی و بیرونی نیز همانند پندارگرایی راه دستیابی به کمال و تعالی را با مowanع متعدد رو به رو نموده، انسان را از یاد مبدا و مسیر اصلی خود منحرف می‌نماید. مبارزه با این شیاطین موجب شده که هر انسانی دائمًا حق و حقیقت را در نظرداشته باشد لحظه از از مبدا قدرت که خالق متعال است، غافل نماید.

### **۲\_۴) میل‌ها و هوای نفسانی**

گرفتارشدن در دام خودبینی و هوای نفسانی جلوی بینش و گرایش انسان را گرفته، او را از شکوفایی و تعالی باز می‌دارد. انسان‌هایی که دستیابی به منافع شخصی شان، بالاترین ورفعیع ترین آرزو و امیال شان است، گرفتار خودبینی شده از سیروسلوک الهی بی نصیب می‌مانند. نابودی نفس و کشتن او، جلوی این میل‌ها و هوای نفسانی را گرفته، راه تعالی انسان را هموار می‌سازد.

اصلی ترین عامل و درواقع، مانع سیر و سلوک انسان نفس و هوای نفسانی است. تا انسان عقل خود را امیر کشور وجود نگرداند، نفس فرمانروایی می‌کند به هر مسیر نادرستی او را می‌کشاند.

### **۲\_۵) شتابزدگی**

شتابزدگی از عواملی است که مانع اندیشیدن و تصمیم صحیح می‌گردد و در دستیابی انسان به مسیر

صحیح می گردد و در دستیابی انسان به مسیر صحیح اختلال ایجاد می نماید. در قرآن کریم نیز از انسان ها خواسته شده تا به مرحله علم و یقین نرسیده اند، موضوعی را رد یا قبول ننمایند: «بلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا

بِعِلْمٍ...» (يونس / ۳۹)

شتاپزدگی از صفاتی است که در اثر صفت عجول بودن در انسان از راه صحیح و طبیعی خود عاید او شده است. به جای کامیابی موجبات ناکامی، خسران و شرمندگی او را فراهم می سازد. بهره گیری از دو نیروی عقل و علم در تعديل این صفت کمک شایانی می نماید.

## ۲\_ سنت گرایی و گذشته نگری

قرآن به انسان ها یادآوری میکند که باورهای گذشته را مدام که با معیار عقل نستجوییده اند، نپذیرفته وازنست گرایی بی مورد بپرهیزند که این امر جلوی شکوفایی عقل و تعالی جان انسان را می گیرد: «وإذا قيلَ

لَهُمْ أَتُبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بْلَ نَتَّبِعُ مَا أَنْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا...» (البقره / ۱۷۰)

پیروی کورکرانه و بدون دلیل و منطق از گذشتگان و تعصب گرایی قومی و قبیله از یکی از عواملی است که همواره در قرآن کریم مذمت شده است و انسانها را از آن نهی می فرماید.

## ۲\_ شخصیت گرایی

از دیگر موانع رشد و تعالی انسان، شخصیت گرایی کورکرانه است. قرآن انسانها را به استقلال فکری دعوت نموده است و پیروی کورکرانه و بدون تعقل از شخصیت ها را موجب شقاوت ابدی می داند: «و قالوا ربنا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتْنَا...» (الأحزاب / ۶۷)

شخصیت گرایی نیز همانند قومیت گرایی و سنت گرایی، چشم و گوش باطن انسان را بسته واز دیدن و دریافت حقایق جلوگیری می نماید. در حالی که عدم تعصبات مختلف و پیروی از حقیقت در هر امری، انسان را در تشخیص راه صحیح یاری نموده، جلوی اشتباهات و خطاهای او را می گیرد.

## ۲\_ دنیاگرایی

تعلق به دنیا و محبت به آن از موانع اساسی شکوفایی نظری و در نتیجه، شکوفایی و تعالی انسان است. محبت دنیا همانگونه که مانع اصلاح عملی انسان است، موجب تباہی و فساد علمی او نیز می شود. تلاش شیطان و نفس اماره در سرگرم ساختن انسان به دنیا است تا به این وسیله انسان از یاد خدا که یاد مبدا و اصل و منشا آفرینش است، غفلت نماید که انسان وابسته به دنیا را به توحید و فضائل اخلاقی و انسانی راهی نیست. تعالیم الهی انبیاء پرده دنیاگرایی از جلوی چشمان آدمی کنار زده، واقعیت دنیا را به او نشان می دهد یادآوری می کند که دنیا محل عبور و گذر است.

علاقة و وابستگی به دنیا چنان قدرتمند و توانا عمل می کند که با ازدیاد این علاقه، پیوسته انسان از یاد مبدأ و معاد غفلت می ورزند به مرور به گونه از رفتار می کند که انگار بازگشت و رجوعی را در پیش دارد و

در این سرا پایدار بوده و سرای دیگری در انتظار او نمی باشد، این در حالی است که استعانت از تعالیم الهی و وحیانی و یادآوری مرگ و معاد در کاهش علاقه و وابستگی انسان به دنیا بسیار موثر بوده و او را در مسیر صحیح، استوار می گرداند.

## ۹\_۲) **کبر**

در قرآن کریم چنین آمده است: «لَنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنَّ فِي صُدُورِهِمْ أَلَا كِبْرٌ...: کسانی که در آیات خدا بدون دلیل سنتیزه جویی می کنند، در سینه هایشان فقط تکبر است و هرگز به خواسته خود نخواهند رسید». (غافر/۵۶)

کبرو غرور، چرکی است که صفحات شفاف دل را تیره میکند انسانی که دلش تیره شد، از گرایش به فضیلت و شهود حق و راستی باز می ماند. کسانی که در زمین به دلایل مختلف و متعدد تکبر می ورزند، مانع شکوفایی فطرت خویش گردیده، از تعالی جان و روح خود جلوگیری می نماید.

## نتیجه گیری

انسان موجودی است دارای دو بعد وجودی، ترکیبی از روح ملکوتی -الهی و جسمی طبیعی و مادی که دارای تطورها در مسیر آفرینش خود می باشد. از ویژگی های منحصر به فرد این مخلوق، غیر از دو بعدی بودن وجود او، داشتن فطرت الهی و وجود قدرت اختیار می باشد، ویژگی هایی که اورا «احسن المخلوقین» قرار داده است. در این مقاله پس از مشخص شدن ویژگی های خاص آفرینش انسان که خداوند در خلقت انسان قرار داده است و باعث می شود انسان به وسیله آن ها قادر به تشخیص راه درست از باطل شده، به بررسی و تبیین عوامل بازدارنده انسان از رشد تعالی پرداخته شده است.

در واقع شناسایی موانع رشد و شکوفایی انسان به انسان کمک می نماید تا با آگاهی و معرفت صحیح به مبارزه با این موانع پرداخته و سعی در کنترل و مهار این عوامل نماید که با اندک تلاشی از جانب شخص، خدای متعال نیز راه های شناخت و آگاهی را بر وی می گشاید و او را راهنمایی و هدایت می نماید و مسیر حرکت وی را هموار می سازد. در صورتی که مخالفت و معاندت با این حقایق، لحظه به لحظه انسان را از مراحل صیرورت خویش و کمالی که مدنظر خالق متعال است، دور نموده و راه بازگشت وی را با صعوبت بسیار همراه می سازد.

در این مقاله دانستیم که توجه به فطرت الهی و بهره گیری از ویژگی های خاص انسان در آفرینش و استفاده از منابع وحیانی، صیرورت و رسیدن ب کمال و تعالی را در انسان آسانتر کرده، در حالی که موانعی چون غفلت، پندارگرایی، وسوسه های شیطانی درونی و بیرونی، شتابزدگی، سنت گرایی، شخصیت گرایی، دنیاگرایی و کبر، صیرورت انسان را کند کرده و در مراحل و مواقعی به تعویق می اندازد که توجه به دستورات و قوانین الهی و حرکت بر آن اساس، عبور از موانع را آسان و میسر می سازد و انسان را به تعالی و کمال حقیقی می رساند.

## منابع و مأخذ

١. قرآن کریم.ترجمه محمدمهردی فولادوند.
٢. طباطبایی،محمدحسین.(۱۳۷۸).تفسیر المیزان.جلد ۱۶.چاپ یازدهم.قم:دفتر انتشارات اسلامی.
٣. جوادی آملی،عبدالله.(۱۳۸۵).تسنیم،تفسیر قرآن کریم.ج.۳.چاپ سوم.قم:انتشارات اسراء.
٤. \_\_\_\_\_(۱۳۸۶).تفسیر موضوعی کل قرآن کریم.ج.۱۲.فطرت در قرآن.چاپ پنجم.قم:انتشارات اسراء.
٥. \_\_\_\_\_(۱۳۹۰).انسان از آغاز تا انجام.چاپ سوم.قم:انتشارات اسراء.
٦. فولادوند،محمدمهردی.(۱۳۸۱).قرآن شناسی.چاپ اول.تهران:موسسه فرهنگی هنری سینمایی است فردا.
٧. فکوهی ،ناصر.(۱۳۸۲).تاریخ اندیشه و نظریه های انسان شناسی.چاپ دوم . تهران:نشر نی